

سناریوی نمایشی دادنامه و رای دادگاه فرمایشی رژیم:

باسمه تعالی

دادنامه

سازمان قضایی نیروهای مسلح

شماره دادنامه: ۴۳۷

تاریخ صدور: ۵/۱۱/۷۹

کلاس پرونده: ۷۹/۳۳۵/۴۵/۷

مرجع رسیدگی: شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران به ریاست آقای محمدرضا عقیقی

مرجع تعقیب: دادسرای نظامی تهران

شاکیان خصوصی:

الف) اولیای دم آقای داریوش فروهر به اسمی: ۱- خانم پرستو ۲- آقای آرش شهرت هردو

فروهر (فرزند مقتول)

ب) اولیای دم خانم پروانه مجد اسکندری به نامهای ۱- خانم پرستو ۲- آقای آرش شهرت هردو

فروهر (فرزند مقتوله) ۳- خانم نصرت الزمان دارابیان (مادر مقتوله)

ج) اولیای دم آقای محمد علی مختاری نیشابوری به نامهای ۱- خانم مریم حسین زاده تنباکوئی (همسر

مقتول و قیمه فرزند محجور مقتول به نام سهراب مختاری نیشابوری) ۲- آقای سیاوش مختاری

نیشابوری (فرزند مقتول)

د) اولیای دم آقای محمد جعفر پوینده به نامهای ۱- خانم صدیقه صاحبی (همسر مقتول) ۲- آقای میرزا حسن آخوندی اشکذری (پدر مقتول) ۳- دوشیزه نازنین پوینده (فرزند مقتول)

متهمان: هیجده نفر به اسامی مندرج در بند الف رای به شرح ذیل با وکالت آقایان منصور سلطانی راد و سید مرتضی علیزاده طباطبائی

اتهامات: حسب مورد آمریت در چهار فقره قتل مقتولان صدر الذکر - مباشرت در قتل و معاونت در آن به شرح مذکور در بند الف رای

گردش کار: پس از ارجاع پرونده به این دادگاه و ثبت به کلاسۀ بالا و اجرای تشریفات قانونی و اصدار قرار رفع نقایص و فرستادن پرونده به دادرسی نظامی تهران، با اعادۀ آن دادگاه طی دوازده جلسه مبادرت به دادرسی نموده و بعد از وصول لوایح آخرین دفاع از سوی آقایان وکلای مدافع متهمان در مهلت اعطائی به آنان، دادگاه در تاریخ ۲۹/۱۰/۷۹ ختم رسیدگی را اعلام نموده و با دوباره خوانی پرونده در فرجه قانونی اینک ضمن استعانت از خداوند سبحان و وجدان به شرح آتی رای صادر می کند.

<< رای دادگاه >>

الف - متهمان و اتهام هر یک طبق کیفر خواست

بر اساس کیفر خواست فاقد شماره مورخ ۲۸/۴/۷۹ صادره از دادرسی نظامی تهران و اصلاحیه مورخ ۲۲/۱۰/۷۹ آن متهمان این پرونده و اتهام هر یک بدین شرح است: ۱- آقای سید مصطفی کاظمی فرزند علی، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به آمریت در قتل آقایان داریوش فروهر، محمد علی مختاری نیشابوری، محمد جعفر پوینده و خانم پروانه مجد اسکندری ۲- آقای مهرداد عالیخانی فرزند علی اصغر، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به آمریت در قتل

مقتولان فوق الذکر ۳ - آقای (علی) رضا روشنی فرزند محمد علی، بازداشت با قرار بازداشت موقت ، متهم است به مباشرت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده ۴- آقای محمود جعفر زاده فرزند محمد، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به مباشرت در قتل آقای داریوش فروهر ۵- آقای علی (مصطفی) محسنی فرزند عباس، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به مباشرت در قتل خانم پروانه مجد اسکندری ۶- آقای حمید رسولی فرزند حسین، آزاد با توثیق وثیقه، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۷- آقای مرتضی حقانی فرزند ابوالقاسم، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده ۸- آقای محمد عزیزی فرزند اسماعیل آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۹- آقای ایرج آموزگار فرزند محمد حسین، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری و آقای محمد جعفر پوینده ۱۰- آقای ابوالفضل مسلمی فرزند عباس، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۱- آقای محمد حسین اثنی عشر فرزند نظر علی، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر ۱۲- آقای علی صفائی پور فرزند نعمت الله، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل خانم پروانه مجد اسکندری ۱۳- آقای علیرضا اکبریان فرزند احمد، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۴- آقای مرتضی فلاح فرزند ابراهیم، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۵- آقای مصطفی هاشمی فرزند اسماعیل، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۶- آقای علی ناظری فرزند خیر علی، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده ۱۷- آقای اصغر سیاح فرزند موسی، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری و آقای محمد جعفر پوینده و سرانجام ۱۸- آقای خسرو براتی

فرزند لطف الله، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان داریوش فروهر، محمد علی مختاری نیشابوری، محمد جعفر پوینده و خانم پروانه مجد اسکندری.

(توضیح این که مشخصات بیشتر و جامع متهمان در کیفر خواست صادره منعکس است.)

ب - کیفیت تشکیل پرونده و کشف اجساد مقتولان به نقل از کیفر خواست

۱ - به حکایت پرونده متشکله در مجتمع قضائی امور جنائی تهران در تاریخ ۱/۹/۷۷ کلانتری ۱۰۹ اعلام کرده ماموران آن کلانتری با دریافت گزارشی مبنی بر ورود سارق یا سارقان به ساختمان مسکونی پلاک ۲۲ واقع در خیابان هدایت، کوچه مرادپور در محل حضور یافته و حین ورود به طبقه اول ساختمان با جسد آقای داریوش فروهر مواجه شده و در بررسی بیشتر در طبقه فوقانی ساختمان با جسد خانم پروانه مجد اسکندری برخورد کرده اند. فرمانده کلانتری پس از اطلاع به اتفاق معاون انتظامی خود در صحنه حاضر گردیده و نسبت به هدایت نیروها برای حفظ صحنه و آثار احتمالی به جا مانده اقدام نموده و مراتب را به استحضار قاضی محترم ویژه قتل رسانیده که ایشان نیز شخصاً در محل حادثه حاضر گردیده و ضمن ترسیم کروکی، مشاهدات خویش را مکتوب و دستوراتی برای شناسائی قاتلان و بررسی همه جانبه حادثه صادر نموده اند. ماموران اداره آگاهی و کلانتری و اکیپ تشخیص هویت به بررسی حادثه و جمع آوری و ضبط آثار جرم و شناسائی عوامل آن مبادرت کرده اند. بررسی اولیه حکایت از کشف چند عدد دستمال آغشته به مواد خفه کننده (بیهوش کننده) و آثار ضربات چاقو در قفسه سینه آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری داشته و پس از انتقال اجساد مقتولان طبق دستور مقام قضائی به پزشکی قانونی تهران، معاینات و آزمایشهای لازم به عمل آمده که در نتیجه به کار بردن مواد و داروی سمی را در قتل منتفی دانسته و علت مرگ آن دو را ضربات متعدد با جسم نوک تیز و برنده به قفسه سینه و شکم و پارگی قلب و ریه تشخیص و اعلام نموده است. ماموران انتظامی پیگیری کننده طی گزارش مبسوط مورخ ۸/۹/۷۷ با تشریح اقدامات

تعقیبی انجام شده، ناتوانی خود را در شناسائی عوامل حادثه با ذکر دلایل آن اعلام کرده و طریق وصول به حقیقت و کشف موضوع را در بررسی ابعاد سیاسی آن دانسته اند.

۲- در مورد کشف جسد آقای محمد علی مختاری نیشابوری حسب پرونده متشکله در دادگاه عمومی شهر ری ماموران پاسگاه انتظامی امین آباد در تاریخ ۱۳/۹/۷۷ حین گشت زنی در محدوده کارخانه سیمان ری در کنار جاده منتهی به شهرک فیروزآباد با جسد مردی حدوداً ۴۰ ساله که روی سینه بر زمین قرار گرفته بوده برخورد نموده و با حفظ صحنه و گزارش موضوع به قاضی محترم کشیک دادگستری شهرستان ری و اخذ دستور و نمایندگی قضائی، کروکی محل را ترسیم نموده و با بررسی های اولیه از ظاهر جسد چون مدرک نشان دهنده هویت مقتول را به دست نیاورده اند، جسد را به عنوان مجهول الهویه به پزشکی قانونی فرستاده اند. تلاش ماموران انتظامی و پزشکی قانونی برای تشخیص هویت جسد نتیجه نداشته تا اینکه در تاریخ ۲۸/۹/۷۷ آقای سیاوش مختاری نیشابوری فرزند مقتول که از تاریخ خروج پدر خود برای خرید از منزل (۱۲/۹/۷۷ ساعت ۱۷) تا تاریخ یاد شده از وی بی اطلاع و در جستجوی پدر بوده، جسد او را در پزشکی قانونی شناسائی کرده است ضمناً پزشکی قانونی تهران با انجام معاینات و آزمایشهای لازم و کالبد شکافی نتیجه آزمایشات سم شناسی را منفی اعلام نموده و علت مرگ مقتول را فشار به عناصر حیاتی گردن توسط جسم سخت و رشته مانند (خفه کردگی) و عوارض ناشی از آن دانسته است.

۳- در مورد کشف جسد آقای محمد جعفر پوینده نیز پرونده مشابهی در دادگاه عمومی شهریار تشکیل شده، که حسب محتویات آن ماموران پاسگاه انتظامی دهمویر شهریار در تاریخ ۱۹/۹/۷۷ مقارن ساعت ۹:۴۵ با تماس تلفنی مردی ناشناس به وجود جسدی در زیر پل بادامک راه آهن آگاهی یافته و به محل اعزام شده و با جسد مردی حدوداً ۳۲ ساله برخورد کرده اند و بعد از حفظ صحنه و گزارش به مقام قضائی با اخذ نمایندگی قضائی از قاضی محترم شعبه ۶ دادگاه عمومی شهریار، معاینه اولیه از ظاهر جسد انجام و با ثبت مشاهدات خود و ترسیم کروکی چون مدرک شناسائی هویت مقتول را پیدا

نکرده اند، جسد را به عنوان مجهول الهویه به سرد خانه بهشت رضوان شهرستان شهریار منتقل نموده اند. در تاریخ ۲۱/۹/۷۷ قاضی محترم دادگاه به اتفاق رئیس پاسگاه انتظامی و پزشک قانونی در محل نگهداری جسد حاضر شده و با معاینه ظاهری آن مشاهدات خویش را مرقوم و جسد را برای کالبدشکافی و معاینات و آزمایشهای لازم و سم شناسی به سازمان پزشکی قانونی تهران اعزام نموده اند. در همان تاریخ ۲۱/۹/۷۷ روزنامه ایران با چاپ عکس مردی با هویت آقای محمد جعفر پوینده ۴۵ ساله اعلام کرده وی از تاریخ ۱۸/۹/۷۷ مفقود گردیده است که ماموران با احراز تعلق عکس چاپ شده به جسد مراتب را به خانواده او خبر داده و خانم صدیقه صاحبی همسر مقتول پس از حضور در پزشکی قانونی جسد همسر خویش را شناسائی کرده است. علت مرگ آقای محمد جعفر پوینده نیز پس از انجام معاینات و آزمایشهای لازم و کالبد شکافی از سوی پزشکان قانونی تهران، فشار به عناصر حیاتی گردن توسط جسم سخت رشته مانند (خفه کردگی) و عوارض ناشی از آن تشخیص و اعلام شده است.

۴- پرونده های متشکله در مراجع قضائی سابق الذکر پس از مکاتباتی که بین رئیس محترم وقت دادرسی نظامی تهران و رئیس محترم سابق سازمان قضائی نیروهای مسلح با رئیس محترم پیشین قوه قضائیه و رئیس محترم وقت دادگستری کل استان تهران صورت گرفته، با صدور قرار عدم صلاحیت از جانب دادگاههای عمومی مربوط، به شایستگی دادرسی نظامی تهران به دادرسی مزبور واصل گردیده و پس از یک سلسله اقدامات به شرح منعکس در پرونده های تجمیع شده، در نهایت به صدور کیفر خواست مورخ ۲۸/۴/۷۹ انجامیده و در تاریخ ۸/۶/۷۹ توسط معاون محترم دادستان نظامی تهران به دادگاه ارسال و در تاریخ ۹/۶/۷۹ حسب ارجاع معاون محترم سازمان قضائی نیروهای مسلح برای رسیدگی به این شعبه واصل گردیده است.

ج- جریان پرونده بعد از وصول به این دادگاه

پس از وصول پرونده در شش جلد و مشتمل بر ۱۳۵۷ صفحه به این شعبه، دادگاه در همان تاریخ (۹/۶/۷۹) دستورات لازم برای اقدامات قانونی به دفتر محکمه صادر نموده و توجهاً به ذیل ماده ۱۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ ناظر به قانون آیین دادرسی کیفری در اجرای ماده ۹ قانون تشکیل دادگاههای جنائی مصوب ۱۳۳۷ اخطار لازم به متهمان پرونده برای معرفی وکیل مدافع در فرجه قانونی به عمل آمده و پس از معرفی وکیل تعیینی از جانب اغلب آنها (که به تناوب انجام شده) و انتخاب وکیل تسخیری از سوی دادگاه برای متهمانی که مبادرت به معرفی وکیل تعیینی نکرده بودند (که البته با معرفی بعدی وکیل تعیینی از جانب متهمان مزبور - جز متهم ردیف دوم- سمت وکیل تسخیری منتفی گردیده) طبق مفاد ماده ۱۲ قانون اخیر الذکر اقدام و به وکلای اولیای دم مقتولان - که بعضاً مانند خانم نصرت الزمان دارابیان مادر خانم پروانه مجد اسکندری سه نفر از وکلای دادگستری را به عنوان وکیل خویش به دادگاه معرفی نموده و برخی هم دو وکیل و سرانجام بعضی از اولیای دم نیز یک وکیل داشته اند و هیچ یک از آنان بدون وکیل نبوده اند- و به وکلای متهمان ابلاغ شده که در مهلت قانونی با مطالعه پرونده هر ایرادی به نظرشان میرسد اعلام کند و پس از انقضای مهلت ده روزه وکلای مدافع اولیای دم مقتولان و وصول لوایح اعتراضیه آنان (که هم به صلاحیت دادگاه ایراد نموده و هم نقایصی را در تحقیقات اعلام کرده بودند) و همچنین پس از انقضای مهلت تمدید شده (جمعاً بیست روزه) وکلای مدافع متهمان که فقط از جانب وکیل تعیینی متهم ردیف اول - لایحه ای دایر به ایراد به صلاحیت دادگاه و وجود برخی نقایص، واصل گردیده ، دادگاه در اجرای ماده ۱۴ قانون مورد اشاره بالا در تاریخ دوشنبه ۹/۸/۷۹ با تشکیل جلسه مقدماتی اداری در وقت فوق العاده ایرادهای مندرج در لوایح واصله از وکلای طرفین را بررسی و به شرح دادنامه شماره ۲۶۵ - ۹/۸/۷۹ با رد ایراد عدم صلاحیت دادگاه (به شرح استدلالی که در آن دادنامه منعکس است) مستنداً به ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ (جایگزین ماده ۴۶ قانون منسوخ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸) قرار صلاحیت و شایستگی خویش را برای رسیدگی به ماهیت اتهامات تمامی متهمان صادر نموده و نسبت

به برخی نقایص تحقیقاتی که راساً به نظر دادگاه رسیده یا در لوایح اعتراضیه واصله از جانب وکلای طرفین مطرح گردیده و به تشخیص دادگاه موثر و وارد بوده (و از جمله لزوم تبیین و بررسی درباره صحت یا عدم صحت اظهارات و ادعای متهمان ردیف اول و دوم که صدور دستور قتلها را به وزیر سابق اطلاعات نسبت داده اند و اظهار نظر مقتضی قضائی درباره این اتهام) قرار رفع نقایص و تکمیل تحقیقات صادر و نقایص دیگر مورد ایراد وکلای طرفین را (که یا خارج از اتهامات مقیده در کیفر خواست بوده و دادگاه طبق نص صریح ماده ۱ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به آنها نه تکلیف رسیدگی داشته و نه چنین حقی را و یا اگر مرتبط با چهار فقره قتل موضوع کیفر خواست بوده از چنان درجه ای از اهمیت برخوردار نبوده که در تشخیص و رای دادگاه موثر باشد) مردود اعلام کرده است و پرونده در هفت جلد مشتمل بر ۱۴۹۱ برگ برای اجرای قرار رفع نقایص به دادرسی نظامی تهران فرستاده شده و آقای بازپرس محترم آن دادسرا (که دارای ابلاغ خاص برای این پرونده بوده) تا جایی که توان داشته در اجرای تصمیم این دادگاه اقدام و از جمله نسبت به اتهام حجت الاسلام و المسلمین آقای قربانعلی درّی نجف آبادی وزیر سابق اطلاعات مبنی بر صدور دستور قتلهای موضوع کیفر خواست به لحاظ عدم کفایت دلیل در تاریخ ۲۴/۸/۷۹ قرار منع تعقیب صادر نموده که چون مورد موافقت آقای معاون محترم دادستان نظامی تهران (در اظهار نظر به همان تاریخ) قرار نگرفته پرونده در تاریخ ۲۵/۸/۷۹ از سوی آقای بازپرس نزد دادستان محترم نظامی تهران فرستاده و با پی نوشت مورخ ۲۶/۸/۷۹ یکی دیگر از معاونان محترم ایشان نزد معاونت محترم ارجاع این سازمان ارسال شده و با ارجاع آن در تاریخ ۲۸/۸/۷۹ برای رسیدگی به شعبه سوم دادگاه نظامی یک تهران (به قائم مقامی دادگاه نظامی دو) دادگاه مرجوع الیه با تحقیق از آقای قربانعلی درّی نجف آبادی (که مشارالیه به قید سوگند صدور هرگونه دستور قتلی را انکار و ادعای متهمان ردیف ۱ و ۲ را تکذیب نموده) و نیز تحقیق از حجت الاسلام و المسلمین آقای نیازی رئیس محترم سازمان قضائی نیروهای مسلح (که ایشان نیز ادعای متهم ردیف دو مبنی بر نقل قول از آقای درّی نجف آبادی توسط خود در زمان تصدی ریاست دادسرای نظامی تهران را تکذیب کرده اند) طی دادنامه شماره ۸۳۶

مورخ ۲۸/۸/۷۹ با تائید نظر آقای بازپرس دایر به منع تعقیب آقای دری نجف آبادی حل اختلاف و پرونده را اعاده نموده اند که در تاریخ ۱/۹/۷۹ پرونده در هشت جلد مشتمل بر ۱۵۸۱ برگ به این دادگاه برگردانیده شده و در تاریخ ۲/۹/۷۹ با تشکیل جلد نهم دستور تعیین وقت دادرسی و احضار متهمان و دعوت اولیای دم مقتولان و وکلای طرفین و معاون محترم دادستان صادر و مطابق آن اقدام و وقت دادرسی به روز شنبه ۳/۱۰/۷۹ ساعت ۸:۳۰ صبح معین گردیده است. پیش از حلول وقت رسیدگی کلیه اولیای دم مقتولان طی لایحه ای که در تاریخ چهارشنبه ۳۰/۹/۷۹ به این دادگاه واصل شده، به طور دسته جمعی و هماهنگ تمامی وکلای خود را (که تا روز قبل از وصول لایحه مزبور نیز با حضور در دفتر محکمه پرونده را برای مطالعه و تهیه یادداشت در اختیار داشته اند) عزل و اعلام کرده اند چون نقایص مورد نظر آنها رفع نشده اند از شرکت در جلسات دادرسی خودداری خواهند کرد. این دادگاه با ملاحظه این که شکایت خانم پرستو فروهر (در برگ ۷۹ پرونده) و شکایت آقای آرش فروهر و تقاضای صریح قصاص قاتلان والدین خود و اشد مجازات درباره سایرین (در برگ ۱۷۵ پرونده) و نیز شکایت و تقاضای خانم نصرت الزمان دارابیان مبنی بر مجازات قاتلان دخترش پروانه مجد اسکندری (در برگ ۱۸ و ۶۹۹ پرونده) و شکایت آقای سیاوش مختاری و تقاضای صریح وی بر قصاص مباشران و اشد مجازات برای آمران قتل پدرش (در برگ ۴۷۹ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۵۲۳ پرونده) و همچنین شکایت خانم مریم حسین زاده تنباکویی (همسر آقای محمدعلی مختاری نیشابوری به قیومیت از سوی آقای سهراب مختاری نیشابوری فرزند محجور مقتول) و تقاضای صریح قصاص برای عاملان قتل شوهرش و اشد مجازات برای آمران و سایر متهمان (در برگ ۴۹۰ و ۵۲۴ پرونده) و شکایت دوشیزه نازنین پوینده و تقاضای صریح قصاص کلیه دست اندر کاران قتل پدرش (در برگ ۵۶۹ پرونده) و شکایت و تقاضای صریح آقای میرزا حسن آخوندی اشکذری (پدر آقای محمد جعفر پوینده که محمد جعفر بعداً نام خانوادگی خود را تغییر داده) مبنی بر قصاص قاتلان فرزندش (در برگ ۶۸۴ پرونده) و سرانجام شکایت خانم صدیقه صاحبی همسر آقای محمدجعفر پوینده که (هر چند طبق ذیل ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی در قصاص و عفو و اجرا

اختیاری نداشته) صریحاً تقاضای قصاص قاتلان شوهر خویش را نموده (در برگ ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۶۸ پرونده) موجود بوده است و عدم شرکت آنان در جلسه دادرسی به منزله گذشت از شکایت مطروحه قبلی نسبت به بعد حق الناس موضوع تلقی نمی گردد و با استصحاب بقای آنها برای شکایات پیشین، عدم حضورشان را در جلسه رسیدگی مورخ ۳/۱۰/۷۹ مانع یا موجب تاخیر دادرسی تشخیص نداده و در وقت مقرر با انعقاد جلسه رسیدگی، چون آقای حبیب اعرابی وکیل تسخیری متهم ردیف دو با ابلاغ قانونی اخطاریه (و اعلام احتیاطی تلفنی توسط آقای مدیر دفتر این محکمه به وکیل همکار دفتر وکالت او) بدون اعلام جهت یا جهات رد قانونی و نیز بدون اعلام عذر موجه احتمالی در جلسه حاضر نگردیده بود برای جلوگیری از اطاله رسیدگی فی المجلس آقای منصور سلطانی راد وکیل تعیینی متهم ردیف اول را به سمت وکیل تسخیری متهم ردیف دوم نیز انتخاب و نصب نمود و پس از استماع نظر و استدلال معاون محترم دادستان نظامی تهران، چون علنی بودن دادرسی را موجب اخلال در امنیت و نظم عمومی تشخیص داد، مستنداً به بند ۳ ماده ۳۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری واصل ۱۶۵ قانون اساسی قرار دادرسی غیر علنی را صادر نمود و وارد رسیدگی به منوال مقرر در ماده ۲۴ به بعد قانون تشکیل دادگاه های جنائی گردید و طی دوازده جلسه در تاریخ های منعکس در پرونده و با تنظیم جمعاً ۱۲۸ برگ صورتمجلس دادرسی و صرف بیش از ۴۵ ساعت برای محاکمه و با وصول ۱۱۴ برگ لوایح دفاعیه و آخرین دفاع از سوی برخی متهمان و وکلای مدافع آنان در تاریخ ۲۹/۱۰/۷۹ ختم رسیدگی را اعلام نمود و اینک در فرجه قانونی رای خود را انشاء می کند.

د - معلومات مبنای رای دادگاه

۱ - حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از اوجب واجبات بوده و این امر جز با حفظ نظم در تمامی شؤون جامعه امکان پذیر نیست و تنها طریق حفظ نظم که به عنوان مقدمه واجب، فرض و لازم تلقی می شود رعایت و اجرای همه جانبه قانون از سوی آحاد مردم و مسئولان نظام است اعم از قانون اساسی که قانون مادر و به مثابه میثاق ملی است و قوانین عادی و موضوعه مملکتی (که

اصل ۴ قانون اساسی بر لزوم عدم مغایرت آنها با موازین شرع مقدس تصریح دارد). بنابراین هر گونه اقدام مغایر قانون، نتیجه اخلال در نظم لازم در جامعه را - خواسته یا ناخواسته - در پی دارد و مالاً موجب هرج و مرج و تضعیف و وهن نظام کشور می گردد.

۲ - قتل عمدی نفس محترمه از مصادیق اعلاى جنایات و خلاف بین قانون و شرع است و از معاصی کبیره تلقی شده و خداوند متعال اولیای دم را سلطان بر استیفای قصاص از قاتل قرار داده و به علاوه کفاره جمع نیز بر ذمه قاتل مستقر می گردد. بدیهی است قتلهای دفاعی (در شرایط تحقق دفاع مشروع) و قتلهای کسانی که طبق حکم دادگاه صلاحیتدار قانونی (بار عایت کلیه حقوق از جمله حق داشتن وکیل مدافع و اعمال طرق عادی و فوق العاده اعتراض در دیوان عالی کشور و نیز ممنوعیت صدور حکم غیابی در صورتی که موضوع اتهام از حقوق الله باشد) محکوم به قصاص نفس یا اعدام گردند از قاعده کلی مزبور مستثنی است.

۳ - چون جمهوری اسلامی ایران دارای تشکیلات قضایی است و قاضی (حتی اگر مجتهد مطلق باشد) برای اشتغال به امر قضا باید از جانب رئیس محترم قوه قضائیه به نیابت از سوی ولی معظم فقیه در پستی از پستهای قضائی نصب گردد و در چار چوب قوانین قضاوت کند، تنها مقامی که حق دارد حکم به کشتن کسی (که مرتکب جرم موجب قصاص نفس یا اعدام شده باشد) صادر کند قاضی دادگاه صلاحیتدار است که پس از قطعیت حکم، رسماً به مرحله اجرا گذاشته می شود و جز قاضی صالح در دادگاه صلاحیتدار هیچ مقامی حتی چنانچه واجد درجه اجتهاد باشد، نمی تواند حکم به قتل بدهد زیرا بدیهی است که احراز یا عدم احراز شرایط قانونی و شرعی بزه موجب قتل،

از امور موضوعی و منوط به تشخیص قضایی و مستلزم لمس ماهیت قضیه و استماع و بررسی مدافعات متهم با رعایت جمیع شرایط و مقررات است و مجتهد و مفتی در مقام فتوی شان تشخیص موضوع را ندارد.

۴ - بنابراین مراتب بالا آنچه در کتابهای فقهی مبنی بر عدم احتیاج اجرای برخی از حدود به حکم حاکم شرع و وجوب آن بر شنونده آمده است قطعاً از زمان و مکانی که حکومت اسلامی سیطره و بسط ید دارد منصرف بوده و در جایی که حکومت بر پایه موازین اسلامی استوار و مستقر است. اجرای هر حدی از حدود (همانند اجرای هر مجازات دیگری) نیاز به سیر مراحل قانونی دارد. در همین راستا ملاحظه می شود که مقام معظم رهبری مدظله العالی در یکی از سخنرانیهای خویش با اشاره به موضوعی که در یک نشریه دانشجویی (به نام موج) رخ داده بود و یکی از سرداران نیروی انتظامی مطلبی مبنی بر اجرای حد شرعی اظهار کرده بود، صریحاً تشخیص و احراز موضوع و تعیین مجازات را از وظایف دستگاه قضایی اعلام فرمودند. اهمیت حفظ نظم در جامعه و احتراز از خشونت غیر قانونی در نظر معظم له تا آن جا است که حتی کراراً نهی از منکر را نیز - که از واجبات عمومی و همگانی مسلمانان است و مراتب و درجاتی دارد. به نهی زبانی محدود نموده اند و مراتب بالاتر را به دستگاههای مسئول قانونی مربوط دانسته اند. بدیهی است مبنای این دیدگاه چیزی غیر از حفظ نظم و جلوگیری از بروز تصفیه حسابهای شخصی و خصوصی به بهانه نهی از منکر نیست.

۵ - بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران به شرح مساله ۳۹ صفحه ۲۲۹ کتاب "موازن قضایی

از دیدگاه امام خمینی (ره) در پاسخ این استفتاء که : " آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران

زندگی می نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند

سرقه و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها، آیا مانند مسلمانان

باید مجازات شوند ...؟" چنین فتوی داده اند "کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند

مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است." با این وصف

وقتی حضرت امام راحل (قدس سره) غیر مسلمانان مقیم این کشور را محقون الدم دانسته اند. به

طریق اولی احترام خون مسلمانان کشورمان جایگاه ویژه ای دارد و خون مسلمان باطل نمی شود

و هدر نمی رود مگر به حکم قاضی صالح در دادگاه صلاحیتدار که در بند ۱ بالا گذشت.

۶ - با توجه به این که حکم اسلام از حیث ترتب آثار شرعی بر ظاهر افراد نظارت دارد و هر

چهار مقتول این پرونده به حسب ظاهر حال آنان مسلمان بوده و خونشان احترام داشته، تردیدی

نیست که اگر کسی مدعی خلاف این ظاهر باشد باید آن را طبق موازین اثبات کند و یا حکمی از

دادگاه صلاحیتدار قانونی مبنی بر محکومیت آنان به اعدام با قید جرمی که مرتکب شده اند ارایه

نماید که در ما نحن فیه در مورد هیچ یک از مقتولان چنین اموری اثبات یا ارایه نگردیده است.

۷ - قتل مقتولان موضوع کیفر خواست نه تنها از سوی مقام معظم رهبری مدظله العالی و رئیس

جمهوری محترم و سایر مسئولان بلند پایه کشورمان، که حتی از سوی آحاد مردم محکوم شده و

غیر از ظلمی که در حق اولیای دم آنها به عمل آمده، موجبات خدشه بر حیثیت نظام و دستگاه

امنیتی کشور نیز فراهم گردیده زیرا تحمل مقتولان با هر فکر و عقیده و عملکردی نشانه سعه صدر جمهوری اسلامی ایران تلقی می شده است و اگر دشمن هم شمرده شوند به قول مقام معظم رهبری دشمن بی خطر بوده اند مضافاً به این که هر دشمنی را بدون احراز جرم موجب مجازات قتل در محکمه صلاحیتدار با رعایت حقوق مسلم قانونی او نمی توان از بین برد.

ه - موارد استدلال رای

با التفات به مبانی و معلومات بالا و با عنایت به شکایات مطروحه از سوی اولیای دم مقتولان و گزارشهای مراجع انتظامی محل کشف اجساد و تحقیقات دادگاههای عمومی تهران و شهر ری و شهریار و نیز تحقیقات دادرسی نظامی تهران و با ملاحظه گزارشهای معاینه اجساد مقتولان توسط پزشکان قانونی (سه نفر) در سازمان پزشکی قانونی کشور و تعیین علت مرگ هر یک به شرح اوراق ۸۱ تا ۸۵ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۷۳۱ تا ۷۳۴ و ۷۳۶ پرونده و با لحاظ اعترافات و اقرار و اظهارات متهمان مشروحه ذیل در مرحله تحقیق مقدماتی در دادرسی نظامی تهران و با مقارنه و تطبیق اقرار و اظهارات متهمان زیر در جلسات دادرسی این دادگاه که به برخی از محورهای آن اشاره می شود: ۱- متهم ردیف اول در جلسه سوم دادرسی مورخ ۱۰/۱۰/۷۹ صریحاً اظهار نموده: " من جایگاه قانونی برای آمریت داشته ام" (برگ ۱۶۹۷) بنابراین این آنچه بعداً در لایحه آخرین دفاع مورخ ۲۰/۱۰/۷۹ خود نوشته به این عبارت: " من از جایگاهی برخوردار نبودم که حکم حذف بدهم" (برگ ۱۸۸۰) انکار بعد الاقرار و نامسموع است.

۲- وی در برگ ۱۹۷۲ ذیل قرار ابقای قرار بازداشت موقت خود نوشته " آمریت در من خلاصه

نمی شود و همان طور که توضیح داده ام به سعید اسلامی بر میگردد“ بنابراین ادعای او در لایحه
آخرین دفاع که نوشته : ”آمریت تنها در آقای دری وجود دارد و خود را تنها در حد معاونت در
این حذفها می دانم.“ (برگ ۱۸۸۱) علیه فردی که قرار منع تعقیب او (به شرحی که قبلاً اشاره
شد) در دادگاه نظامی یک تهران (شعبه سوم) قطعی شده غیر مسموع و غیر قابل پذیرش است . ۳
– مشارالیه در جلسه سوم دادرسی نزد این دادگاه اقرار صریح دارد که: ”من به صادق گفتم زنش
(منظور همسر آقای فروهر است) را بزنید البته لیستی که اسامی چندین نفر در آن بود در اختیار
آقای صادق بود ولی این من بودم که تصمیم می گرفتم و به او می گفتم کدامیک را حذف کنید و
صادق دستور مرا اجرا می کرد.“ (برگ ۱۶۹۹) و نیز ادعا و اقرار کرده که: ”با اصرار آقای
دری [این ادعایی است که به علت فقد دلیل کافی و صدور قرار منع تعقیب آقای دری ثابت نشده]
و علی رغم موضع رییس جمهوری دستور ادامه حذف فیزیکی [منظور بعد از قتل آقای فروهر و
همسرش بوده] را به آقای صادق مهدوی دادم و مختاری و پوینده را من معین کردم که مبادرت به
حذف آنها بکنند.“ (برگ ۱۷۰۶) بنا براین آنچه در لایحه آخرین دفاع خود نوشته که : ”آنچه در
خصوص حذف فیزیکی آقای فروهر و خانم پروانه اسکندری و آقای محمد مختاری و محمد جعفر
پوینده بوده بر اساس دستور آقای دری و اولویت بندی آقا صادق مورد موافقت من قرار گرفته
است“ (برگ ۱۸۷۹) و نیز اظهار بی اطلاعی از وجود لیست اسامی ۴۰ تا ۴۵ نفره در اختیار
آقای صادق مهدوی – متهم ردیف دوم – (برگ ۱۸۷۸) خلاف واقع است. ۴- اقرار متهم
موصوف در جلسه سوم دادرسی این دادگاه به این که آقای صادق مهدوی از جایگاه تشکیلاتی او

یعنی قائم مقامی معاونت امنیت خبر داشته، نشانگر کذب اظهار قبلی او در جلسه دوم دادرسی است

که گفته: "تا زمان دستگیری کسی نمی دانست که من قائم مقام امنیت هستم" (برگ ۱۶۸۴) ۵- با

وصف آن که متهم مورد بحث به شرح برگ ۱۷۰۵ نزد این دادگاه اقرار نموده که از موضع

گیری مورخ ۵/۹/۷۷ رئیس جمهوری محترم اسلامی ایران در محکومیت قتلها آگاهی داشته، این

که طبق اقرار وی در برگ ۱۷۰۶ در تاریخ ۹/۹/۷۷ (چهار روز بعد از اعلام موضع ریاست

محترم جمهوری) دستور ادامه حذف فیزیکی را با تعیین آقایان مختاری و پوینده به متهم ردیف دوم

داده است، حکایت از عدم طرفداری وی از رییس جمهوری محترم دارد و نیز با وصف آن که

مقام معظم رهبری مد ظله العالی در سخنرانی مورخ ۲۳/۹/۷۷ صریحاً قتلهای موضوع این

پرونده را محکوم فرموده در حالی که طبق مستفاد از مندرجات برگ ۱۷۳۴ متهمان ردیف ۱ و ۲

حتی تا روز پنجشنبه ۲۶/۹/۷۷ (یعنی سه روز پس از اعلام محکومیت قتلها از سوی مقام معظم

رهبری) در تکاپوی ترور برخی اعضای کانون نویسندگان در استانهای گیلان و فارس بوده اند،

نشانگر عدم التزام عملی متهمان به تبعیت از ولی فقیه است. ۶ - متهم ردیف اول در برگ ۱۶۷۹

نزد این دادگاه اقرار نموده که [در بحث قتلهای موضوع کیفر خواست یا به قول وی حذفها] "اصلاً

مساله سلسله مراتب مطرح نیست" و متهم ردیف دوم نیز در برگ ۱۷۳۹ و ۱۷۴۰ در جلسه

دادرسی این محکمه معترف است که نه کار اطلاعاتی و نه موضوع حذف چهار مقتول پرونده از

نظر تشکیلاتی به او (که رییس اداره چپ نو بوده) ربطی نداشته است و همین اقرار به علاوه بی

اطلاعی مدیر کل چپ (که مقام مافوق او بوده) و نیز بی اطلاعی معاون وقت امنیت و گذاشتن

قرار ملاقاتها با مسئول اداره عملیات امنیت در خارج از محل کار و برخی قراین دیگر کافی برای

اثبات غیر قانونی و غیر تشکیلاتی بودن انجام قتل‌های موضوع کیفر خواست است. بویژه آن که

متهم ردیف دوم در برگ ۱۷۴۳ در پاسخ سوال دادگاه اقرار دارد که در اساسنامه وزارت

اطلاعات و قوانین مربوطه

ماده ای راجع به این که حذف فیزیکی افراد در زمره وظایف وزارت باشد ندیده است. ۷- متهم

ردیف ۲ در برگ ۱۷۴۵ اقرار نموده که موسوی به متهم ردیف ۸ دستور داده هر آنچه وی

(مهرداد عالیخانی) به آنها اعلام می کند انجام بدهند (بدیهی است معنی "اعلام می کند" چیزی جز

"دستور می دهد" نیست) ۸- اقرار متهم موصوف در برگ ۱۷۲۵ پرونده مبنی بر این که همیشه با

صدای بلند نزد آقای نیازی دادستان وقت نظامی تهران خنده سر می داده حکایت از عدم تاثیر

قتل‌های موضوع کیفر خواست در وجدان و ضمیر وی دارد. ۹- اقرار مشار الیه به نقش بر جسته

خود از حیث اشراف اطلاعاتی بر سوژه های اوپوزیسیون لائیک و وصل خود توسط متهم ردیف

اول به متهم ردیف ۸ و حضور فعال در صحنه هر چهار قتل و دادن گزارش هر قتل بلافاصله به

متهم ردیف اول و نیز اعتراف به این که اگر پیش از انجام قتلها دستور توقف عملیات را می داد

لااقل در همان موقع قتلها صورت نمی گرفت به شرح اوراق دادرسی جلسه مورخ ۱۲/۱۰/۷۹ و

سعی واضح او در لایحه آخرین دفاع خویش برای مرمت اثر اقراری که به ضرر خود نموده

(برگ ۱۹۱۰) و اعتراف صریح به اراده و اختیار خود در اقداماتی که در راستای قتل‌های

موضوع کیفر خواست انجام داده است. ۱۰- اقرار متهم ردیف ۳ در برگ ۱۷۶۸ به این که "علت

مباشرت من در دو فقره قتل مختاری و پوینده دستور شفاهی آقای موسوی بود ... مرا به صادق

مهدوی وصل کرد و گفت هر طوری صادق دستور داد عمل کنید و من هم بر همین اساس اقدام

نمودم ... در خصوص این دو مقتول آقای موسوی اسمی نبرد و آقای صادق آنها را تعیین و به من

معرفی کرد و من می دانستم که آقای صادق هم از طرف آقای موسوی دستور دارد .. وقتی آقای صادق به من دستور حذف مختاری و پوپنده را داد طبیعی بود که جز طناب وسیله ای در اختیار ما نبود “ ۱۱- متهم ردیف ۴ در برگ ۱۷۷۱ اقرار دارد که ”در اجرای دستور مسئول مافوقم (متهم ردیف ۸) که به صورت شفاهی از طریق سلسله مراتب به این جانب ابلاغ شد .. مبادرت به حذف داریوش فروهر از طریق وارد آوردن ضربات کارد نمودم. یقین دارم که آقای رسولی مدیر کل پشتیبانی عملیاتی – اطلاعاتی معاونت امنیت به مسئول اداره عملیات دستور داده بود ولی جزئیات بیشتر که آیا دستور آقای موسوی یا آقای وزیر وجود داشته یا نداشته را نمی دانم“ و در برگ ۱۷۷۴ در پاسخ این سوال که چه کسی به شما دستور داد با کارد بکشید؟ پاسخ داده “آقای فلاح به من دستور داد“ ۱۲- اقرار صریح متهم ردیف ۵ که ضمن بیان نحوه قتل خانم پروانه مجد اسکندری گفته ”به خاطر اجرای دستور مسئول بالاترم (یعنی متهم ردیف ۸) انجام داده ام“ (برگ ۱۷۷۳) و نیز ”قبل از ورود ما به منزل فروهر متهم ردیف ۸ به ما گفته بود و دستور داده بود با کارد او را حذف کنید ... انگیزه ای جز اجرای دستور مقام مافوق (یعنی متهم ردیف ۸) نداشته ام“ (برگ ۱۷۷۴) ۱۳- متهم ردیف ۶ در برگ ۱۷۷۶ اقرار دارد ”بنده به متهم ردیف ۸ دستور دادم که در این عملیات حذف تحت امر آقای موسوی عمل کند ... دخالت خود را در قضیه قتل فروهر و همسرش یعنی در حد صدور دستور به مسئول اداره عملیات تحت امر خود برای اجرای دستورات آقای موسوی با اعتقاد به این که دستور آقای دری هم پشت سر او است (این قسمت ادعای ثابت نشده می باشد) قبول دارم و انکار نمی کنم... بعد از حذف فروهر و همسرش فردا صبح آن روز متهم ردیف ۸ در محل کار شفاها به من گزارش داد که دیشب فروهر و زنش را زدیم و با کارد زدیم“ و نیز در مقام آخرین دفاع باز اعتراف کرده ”به رییس اداره عملیات دستور داده ام در جریان حذف مقتولان با آقای موسوی همکاری کند و هر دستوری ایشان به آنها می دهد اجرا کند“ (برگ ۱۸۸۴) ۱۴- متهم ردیف ۸ در برگ ۱۷۸۴ و ۱۷۸۵ نزد این دادگاه اقرار نموده: در قضیه حذف فروهر و همسرش من به دستور مدیر کل مافوقم آقای رسولی به آقای

موسوی وصل شدم ... آقای موسوی به من گفت برای این که دسترسی به من ممکن است مشکل باشد شما برای اقدام درباره این حذفها با آقای صادق مهدوی هماهنگ کنید و هرچه ایشان گفت و هر سوژه ای که معین کرد حذف کنید... چند روز بعد آقای صادق با من تماس گرفت و جای دیگری قرار گذاشتیم (در میدان اختیاریه) و گفت باید فروهر حذف شود و اسمی از همسرش نیاورد بعد از گرفتن آدرس از صادق جدا شدیم و رفتیم برای شناسائی آدرس ... وقتی به صادق گزارش کردم که فروهر از منزل کم بیرون می آید به نظرم روز شنبه ۳۰/۸/۷۷ بود که آقای صادق گفت هر طور شده باید وارد منزل فروهر شوید و خودش و همسرش را با کارد حذف کنید ... بعد از تیم بندی نفرات وارد منزل فروهر شده و مبادرت به حذف او و همسرش نمودند ... من به سر تیمها دستورات لازم را داده ام و در صحنه هم هرچه سر تیم بگوید افراد تیم باید عمل کنند ... از نظر کلی دستور مدیر کل خودم آقای حمید رسولی برای من ملاک بود." و در پاسخ این سوال که آیا دستور شخص صادق مهدوی برای به فعلیت در آوردن حذف سوژه ها برای شما لازم بوده یا نه؟ گفته است بلی دستور ایشان برای من لازم و موثر بوده و اگر او می گفت عملیات انجام نشود انجام نمی دادم. مجددا سوال شده بنابراین شما پیش از عملیات دستور شخص آقای صادق را هم برای خود لازم می دانستید؟ و متهم پاسخ مثبت داده است (همان برگها) ۱۵- متهم ردیف ۱۰ ضمن اقرار صریح به نقش خود در ورود به منزل آقای فروهر تحت پوشش مامور آگاهی و بردن همسر وی به طبقه بالای ساختمان و نگهداشتن دستهای او برای بیهوش کردن مشارالیها توسط متهم ردیف ۱۵، اضافه کرده (پس از بردن همسر آقای فروهر به طبقه بالا) بعد از دقایقی آقای فلاح (متهم ردیف ۱۴) که سر تیم عملیات داخل منزل بود آمد بالا و از قول آقای صادق گفت عملیات را شروع کنید ... مشارالیه در لایحه دفاعیه خود به مهدور الدّم بودن مقتولان (آقای فروهر و همسرش) اشاره داشته ولی در پاسخ سوال دادگاه در این زمینه اظهار نموده شناختی نسبت به آنها نداشته و نمی تواند بگوید مهدور الدم بوده اند (برگ ۱۷۸۷) و نیز در برگ ۱۸۰۲ در لایحه تقدیمی به دادگاه نوشته " بعد از ظهر روز شنبه ۳۰/۸/۷۷ از سوی متهم ردیف

۸ مسئول مافوق بنده به من ابلاغ شد و دستور داده شد که به ماموریت فوق به همراهی تعدادی از برادران عملیات بروم و در ادامه دستورشان اظهار داشتند که دستور از سوی مدیر کل برادر رسولی ابلاغ شده و ایشان هم از حاج اقا موسوی قایم مقام معاونت امنیت دستور دارند و ایشان هم از سوی وزیر وقت حاج آقا دری دستور دارند“ ۱۶- متهم ردیف ۱۱ ضمن قبول اتهام خود در نگهداشتن یک دست آقای فروهر هنگام بیهوش کردن وی توسط متهم ردیف ۱۵ و تشریح نحوه زدن کارد به او از سوی متهم ردیف ۴، در برگ ۱۸۰۶ اقرار کرده“ مسئول مستقیم من متهم ردیف ۸ بوده که دستور کلی برای انجام حذفها را او به من داده و بعد تیم بندی شدیم و در صحنه عمل یعنی در منزل فروهر ما به دستور آقای فلاح عمل کردیم. ضمناً متهم ردیف ۸ هم دستور را از آقای رسولی (متهم ردیف ۶) گرفته بود آقای موسوی هم به آقای رسولی دستور داده بود. در جریان کار هم آقای صادق مهدوی برای هماهنگی به عنوان رابط آقای موسوی و ما دستوراتی را که لازم بود می داد.“ ۱۷- متهم ردیف ۱۲ در برگ ۱۸۰۹ اقرار نموده ”در صحنه حذف خانم فروهر به دستور رییس مستقیم خود (متهم ردیف ۵) حضور پیدا کرده ام و داخل منزل که شده ایم آقای فلاح سر تیم ما به من و متهم ردیف ۱۰ دستور داد برویم طبقه بالا که به اتفاق خانم فروهر تحت پوشش بازرسی و تفتیش منزل رفتیم بالا و وقتی آقای فلاح (متهم ردیف ۱۴) هم بعد از دقایقی آمد من پرسیدم شروع بکنیم یا نه فلاح گفت شروع کنید من از پشت گردن و دهان او را گرفتم و متهم ردیف ۱۰ هم دستهایش را گرفت و متهم ردیف ۱۵ هم با گاز آغشته به مواد بیهوشی جلوی دهان و بینی او گرفت و بیهوش شد ...“ ۱۸- متهم ردیف ۱۴ در برگ ۱۸۱۴ ضمن اقرار به اتهام خود اظهار داشته “ در این دو عملیات یعنی حذف داریوش فروهر و همسرش به عنوان سر تیم در داخل منزل بوده ام و بین کارشناسان عملیات تقسیم کار کرده و هماهنگی لازم را به وجود آوردم. البته من هم به دستور رییس مستقیم خودم (متهم ردیف ۵) دخالت کردم ... بعد از آن (یعنی تمام شدن کار فروهر) من رفتم به طبقه بالا و به آقای صفایی پور گفتم شروع کنید“ .

۱۹- متهم ردیف ۱۵ ضمن اقرار به گرفتن مواد بیهوش کننده جلوی دهان و بینی آقای داریوش

فروهر و همسرش گفته است “ آنچه برای من مهم بود دستور رییس مستقیم خودم (متهم ردیف ۵) بود” (برگ ۱۸۱۷) ۲۰- متهم ردیف ۱۶ با اقرار به اتهامات خود در برگ ۱۸۳۲ گفته است: “ من مستقیماً دستور از آقای موسوی گرفتم. زیر مجموعه آقای حقانی (متهم ردیف ۷) بودم .. از قبل به حوزه معاونت امنیت مامور به خدمت شده بودم .. و آقای حقانی در این قضیه، هیچ دستوری به من نداده است“. ۲۱ – متهم ردیف ۱۷ در خصوص معاونت در قتل آقای محمد جعفر پوینده به تعقیب او با موتور سیکلت و خبر دادن به صادق مهدوی به وسیله تلفن همراه یک رهگذر به منظور ربایش او اقرار دارد و تصریح کرده به دستور مستقیم صادق مهدوی همکاری کرده است و در پاسخ به این سوال دادگاه که آیا از موسوی هم دستور گرفتید؟ گفته است >> خیر فقط صادق به من دستور داد.<< (برگ ۱۸۳۴) . ۲۲- متهم ردیف ۱۸ نیز در خصوص اتهام معاونت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده در برگ ۱۸۳۷ اقرار صریح نموده و نقش خود را در رانندگی وسیله نقلیه حامل سوژه های ربایش شده و انتقال به محل قتل و سپس انتقال جسد آنها در صندوق عقب اتومبیل تحت رانندگی خود به محل های تخلیه اجساد توضیح داده و دستور آقای صادق مهدوی را مبنای همکاری خود دانسته است. بنا بر مراتب فوق (که در ۲۲ بند مورد اشاره قرار گرفت) و نظر به این که از جانب آقایان وکلای مدافع متهمان صدر اشاره نیز دفاع موثری که مفید به حال موکلانشان باشد به عمل نیامده و عمده دفاع آقایان وکلا در نسبت دادن صدور دستور قتل های موضوع کیفر خواست به آقای وزیر سابق اطلاعات است که با تایید نظر آقای بازپرس پرونده مبنی بر منع تعقیب وی در شعبه سوم دادگاه نظامی یک تهران در این دادگاه قابل استماع نیست و اعتراضات مفصل متهم ردیف ۲ نسبت به قرار منع تعقیب مشارالیه نیز موقعیت قانونی ندارد زیرا قرار مزبور که با تایید دادگاه یاد شده قطعی گردیده قابل اعتراض در حدود ماده ۱۷۱ (بند ۲) قانون آیین دادرسی کیفری نمی باشد و اگر هم قابل اعتراض بود از سوی اولیای دم مقتولان می توانست مورد اعتراض قرار گیرد و متهم ردیف ۲ سمتی برای اعتراض به قرار مزبور نداشت. از همه این اعتراضات گذشته. اصولاً این دادگاه

چون از موارد پیش گفته به نحو متعارف بر آمریت و صدور دستور قتل‌های موضوع کیفر خواست از جانب متهمان ردیف‌های ۱ و ۲ و ۶ و ۸ و ۱۴ (هر یک به شرحی که متعاقباً قید می‌شود) علم و قطع حاصل نموده و عنوان اتخاذ شده در کیفر خواست برای متهمان ردیف‌های ۶ و ۸ و ۱۴ را مردود و عمل آنها را نیز از مصادیق صدور دستور قتل می‌داند، حتی اگر فرضاً وزیر سابق اطلاعات نیز به صدور دستور انجام قتل‌ها اقرار می‌کرد و علیه وی کیفر خواست صادر می‌گردید، این دادگاه در فرض مزبور و به شرط احراز آمریت مشارالیه حکم به مجازات ایشان به حبس ابد صادر می‌نمود بدون این که حکم مزبور در حق سایر متهمانی که در زنجیره صدور و انتقال دستور غیر قانونی مفروض وزیر به عاملان قتل قرار گرفته اند تاثیری داشته باشد، زیرا صدور دستور قتل از جانب هر مقامی (جز قاضی صالح در دادگاه صلاحیت‌دار) غیر قانونی بوده و این بحث خارج از بحث سبب و مباشر در موجبات ضمان در قانون مجازات اسلامی است که اقوی بودن سبب موجب رفع ضمان و مسئولیت از مباشر می‌گردد. در مورد متهمان ردیف ۳ و ۴ و ۵ نیز دادگاه بر گناهکاری آنان و همچنین بر گناهکاری بقیه متهمانی که در بندهای ۲۲ گانه بالا به شماره ردیف آنها اشاره و در خصوص ردیف‌های ۱۷ و ۱۸ فقط اتهامات قید شده آنها از سوی این محکمه احراز گردیده، علم و قطع حاصل کرده و اقوی دلیل را بر غیر قانونی بودن قتل‌های موضوع کیفر خواست و مردود و بی اساس بودن ادعای متهمان موصوف بر قانونی و شرعی دانستن عمل خود این می‌داند که با وصف آن که اجرای حکم اعدام دارای آیین نامه مخصوصی است که در زمان رییس محترم پیشین قوه قضاییه نیز اصلاحاتی در آن به عمل آمده است. چگونه قابل تصور خواهد بود که برای اجرای حکم قانونی و شرعی متهمان به طور رسمی و علنی اقدام نکرده اند و با توسل به خدعه و فریب و ورود به منزل دو مقتول اول و دوم با جعل عنوان و استفاده از سند مجعول و نیز ربایش دو مقتول سوم و چهارم با استفاده از حکم جعلی و بستن چشم آنها مبادرت به ارتکاب قتل‌های موضوع کیفر خواست به طرز فجیع و تکان دهنده نموده اند. بنا به مطالب بالا با احراز مجرمیت و گناهکاری هر یک از متهمان پیش گفته، در بند بعد درباره هر

یک با قید مواد استناد به حکم به محکومیت صادر می گردد. و اما درباره متهم ردیف ۷ چون برای دادگاه ارتکاب هیچ فعلی که از مصادیق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی تلقی شود از جانب او احراز نشده و آنچه وی در مقام آخرین دفاع بیان داشته و دفاعیات آقای وکیل وی نسبت به مشار الیه موجه می باشد و همچنین درباره اتهام متهمان ردیفهای ۹ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ مبنی بر معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و همسرش چون دادگاه مدافعات آنان و وکیل ایشان را وارد دانسته و خصوصاً با معاینه محل استقرار آنها در شب واقعه در مقابل بیمارستان امیر اعلم و سنجش فاصله آن مکان تا ابتدای کوچه ای که منزل مقتولان در انتهای آن قرار داشته (که هر چند به خلاف اظهار متهمان دو کیلومتر یا بیشتر فاصله نداشته و فاصله آن دو نقطه حدود هشتصد متر است.) و بالاخص راه داشتن پنج خیابان فرعی دیگر به خیابان هدایت در حد فاصل خیابان سعدی تا مقابل کوچه منزل مقتولان به شرحی که در صورتجلسه مورخ ۲۹/۱۰/۷۹ این دادگاه در ظهر برگ ۱۹۸۲ ذکر شده امکان مراقبت و دیده بانی توسط متهمان موصوف را نیز منتفی تشخیص داده و خلاصه این که عمل ارتكابی آنان قابل تطبیق بر هیچ یک از بند های ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی نبوده و همچنین درباره اتهام دیگر متهم ردیف ۹ مبنی بر معاونت در قتل آقای محمد جعفر پوینده نیز دفاع وی موجه بوده و هیچ دلیل محکمه پسندی بر تحقق فعلی که از مصادیق معاونت در قتل باشد از جانب مشار الیه در پرونده امر ملاحظه نمی گردد، بنابراین این دادگاه مجرمیت متهمان موصوف را احراز ننموده و در بند آتی نسبت به آنان حکم مقتضی صادر می کند.

و – قسمت حاکمه رای و مستندات قانونی آن

نظر به آنچه در بند بالا ذکر و استدلال شد درباره هر یک از متهمان به طور علیحده ذیلاً انشای حکم میگردد.

۱ - متهم ردیف اول آقای سید مصطفی کاظمی به جرم آمریت و صدور دستور چهار فقره قتل موضوع کیفر خواست مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به چهار فقره حبس ابد محکوم است.

۲ - متهم ردیف دوم آقای مهرداد عالیخانی نیز به جرم آمریت و صدور دستور چهار فقره قتل موضوع کیفر خواست مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به چهار فقره حبس ابد محکوم است.

۳ - متهم ردیف سوم آقای علی (رضا) روشنی به جرم مباشرت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده مستنداً به صدر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی (و با رد استناد معاون محترم دادستان نظامی تهران به ذیل ماده مرقوم) و بند الف ماده ۲۰۶ و صدر ماده ۲۰۷ و بندهای ۱ و ۴ ماده ۲۳۱ و صدر ماده ۲۶۴ و ماده ۲۶۵ به دو فقره قصاص نفس محکوم است که پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضاییه به نیابت از سوی مقام معظم رهبری مدظله العالی و مشروط به تودیع یا تامین سهم الدیه آقای سهراب مختاری نیشابوری (فرزند محجور مقتول) از جانب وارث کبیر و رشید طالب قصاص یعنی آقای سیاوش مختاری نیشابوری (توجهاً به رای وحدت رویه ۳۱ مورخ ۲۰/۸/۶۵) به مرحله اجرا گذارده شود.

۴ - متهم ردیف چهارم آقای محمود جعفرزاده به جرم مباشرت در قتل آقای داریوش فروهر مستنداً به مواد فوق الذکر از قانون مجازات اسلامی به یک فقره قصاص نفس محکوم است که فرزندان مقتول پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضاییه حق اجرای حکم درباره محکوم علیه را خواهند داشت.

۵ - متهم ردیف پنجم آقای علی (مصطفی) محسنی به جرم مباشرت در قتل خانم پروانه مجداسکندری مستنداً به مواد مذکور در بند ۳ بالامضافاً به ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی

محکوم است به یک فقره قصاص نفس و اولیای دم مقتوله با پرداخت نصف دیه کامله به قاتل پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضاییه حق اجرای حکم در مورد محکوم علیه را دارند.

۶ – متهم ردیف ششم آقای حمید رسولی به جرم آمریت و صدور دستور در راستای اجرای دو فقره قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجداسکندری ضمن ردّ عنوان اتهامی و ماده استنادی از سوی معاون محترم دادستان نظامی تهران مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به دو فقره حبس ابد محکوم است.

۷ – متهم ردیف هفتم آقای مرتضی حقانی از اتهامات معاونت در قتل آقایان محمد مختاری نیشابوری و محمد جعفرپوینده به لحاظ عدم احراز گناهکاری وی و فقد دلیل کافی و محکمه پسند علیه نام برده به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی تبرئه میگردد.

۸ – متهم ردیف هشتم آقای محمد عزیزی به جرم آمریت و صدور دستور در راستای اجرای دو فقره قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ضمن ردّ عنوان اتهامی و ماده استنادی از سوی معاون محترم دادستان نظامی تهران، مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به دو فقره حبس ابد محکوم است.

۹ – متهم ردیف نهم آقای ایرج آموزگار از اتهامات معاونت در قتل آقایان داریوش فروهر و محمد جعفرپوینده و خانم پروانه مجداسکندری به لحاظ فقد دلیل کافی و قانع کننده وجدان علیه وی، مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی تبرئه می شود.

۱۰ – متهم ردیف دهم آقای ابوالفضل مسلمی به جرم معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجداسکندری مستنداً به بند ۱ و ۲ ماده ۴۳ و بخش دوم ماده ۴۷ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل هشت سال حبس تعزیری محکوم است.

۱۱ - متهم ردیف یازدهم آقای محمد حسین اثنی عشر به جرم معاونت در قتل آقای داریوش فروهر مستنداً به بند ۳ ماده ۴۳ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل هفت سال حبس تعزیری محکوم است.

۱۲ - متهم ردیف دوازدهم آقای علی صفائی پور به جرم معاونت در قتل خانم پروانه مجداسکندری مستنداً به مواد مذکور در بند ۱۱ بالا به تحمل هفت سال حبس تعزیری محکوم است.

۱۳ - متهم ردیف سیزدهم آقای علیرضا اکبریان از اتهامات معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجداسکندری به لحاظ عدم کفایت دلیل اثباتی علیه وی مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی تبرئه می گردد.

۱۴ - متهم ردیف چهاردهم آقای مرتضی فلاح به جرم آمریت و صدور دستور در راستای اجرای دو فقره قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجداسکندری، ضمن رد عنوان اتهامی و ماده استنادی از سوی معاون محترم دادستان نظامی تهران مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به دو فقره حبس ابد محکوم است.

۱۵ - متهم ردیف پانزدهم آقای مصطفی هاشمی به جرم معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری مستنداً به بند ۲ ماده ۴۳ و بخش دوم ماده ۴۷ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل هشت سال و نیم حبس تعزیری محکوم است.

۱۶ - متهم ردیف شانزدهم آقای علی ناظری به جرم معاونت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفرپوینده مستنداً به بند ۳ ماده ۴۳ و بخش دوم ماده ۴۷ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی و با رعایت بند ۵ ماده ۲۲ قانون مزبور به لحاظ وضع خاص وی به تحمل دو سال و نیم حبس تعزیری محکوم است.

۱۷ - متهم ردیف هفدهم آقای اصغر سیاح از اتهامات معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجداسکندری به لحاظ عدم احراز گناهکاری وی و عدم کفایت دلیل مقتع وجدان علیه نام برده، مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی تبرئه می شود و به جرم معاونت در قتل آقای محمد جعفرپوینده به استناد بند ۳ ماده ۴۳ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل شش سال حبس تعزیری محکوم است.

۱۸ - متهم ردیف هیجدهم آقای خسرو براتی از اتهامات معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری به لحاظ کافی نبودن دلیل اثباتی و عدم حصول قناعت وجدان بر گناهکاری وی، مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی تبرئه می گردد و به جرم معاونت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفرپوینده به استناد بند ۲ و ۳ ماده ۴۳ و بخش دوم ماده ۴۷ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل ده سال حبس تعزیری محکوم است.

بدیهی است مدت بازداشت قبلی آن دسته از محکومان به حبس تعزیری که در این پرونده سابقه بازداشت داشته باشند، مستنداً به تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی در مقام اجرای حکم از میزان حبس تعزیری آنان کسر و محاسبه خواهد گردید. ضمناً چون مجازات قصاص نفس و حبس ابد که حسب مورد درباره ردیفهای اول تا پنجم و ششم و هشتم و چهاردهم مورد حکم قرار گرفته از بعد حق الناسی قضیه است و از سوی اولیای دم مقتولان زیربط قابل عفو و گذشت می باشد در فرضی که همگی اولیای دم مقتولان (بسته به جرم هر کدام از محکوم علیهم مورد سخن) از حق قصاص خود نسبت به قاتلان و از حبس ابد آمران و دستور دهندگان منجزاً گذشت کنند لازم است بار دیگر پرونده امر برای اعمال ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن (از حیث اخلاقی که در نظم جامعه به علت ارتکاب جرایم احرازی حاصل شده است) به دادگاه فرستاده شود زیرا حکم محکمه باید منجزوه غیر معلق باشد و از هم اکنون نمی توان برای فرض گذشت کلیه اولیای

دم مقتولان که معلوم نیست محقق خواهد شد یا نه - بر اساس ماده اخیر الذکر تعیین مجازات کرد.

این رای که درباره هر هیجده نفر ماراشاره به طور علیحده لفظاً انشا گردید حضوری و در حدود مقررات قانون تجدید نظر آرای دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲ ظرف بیست روز پس از ابلاغ برای اشخاصی که ساکن ایران هستند و دو ماه پس از ابلاغ برای کسانی که خارج از کشور می باشند با پرداخت هزینه دادرسی ، از جانب محکوم علیهم و اولیای دم مقتولان و دادستان محترم نظامی تهران (حسب مورد و با لحاظ بند ۲ ماده ۲۱ قانون مزبور) قابل تجدید نظر خواهی است و مرجع نقض یا ابرام آن دیوان عالی محترم کشور خواهد بود. در پایان ذکر این نکته را لازم میدانم که با وجود قرائنی در پرونده دایر به این که آقایان سید مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی با طرح و هماهنگی قبلی و ارائه تحلیلهای خاص از وضعیت اوپوزسیون داخل کشور سعی در کشیدن پای وزیر سابق اطلاعات به موضوع قتلهای زنجیره ای داشته (به طوری که آقای کاظمی در این محکمه اقرار کرده است که وی بدو در جلسه ۲۲/۸/۷۷ در منزل وزیر با حضور آقای عالی خانی پیشنهاد داده که اعضای کانون نویسندگان را می توان یکجا جمع کرد و به رگبار بست.) از حیث اتهام << اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایمی بر ضد امنیت داخلی کشور>> موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و صدق یا عدم صدق عنوان محاربه و افساد در زمین نیز پرونده جای بررسی و امعان نظر بیشتر دارد، ولی چون طبق نص صریح ماده یک از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری این محکمه خارج از اتهامات قید شده در کیفر خواست تکلیف و نیز حق رسیدگی ندارد، بنابراین موجبی برای ورود به اتهام جدید علیه نام بردگان از سوی این دادگاه نمی باشد.

مقرر میگردد دفتر: فوراً دادنامه ثبت و ماشین نویسی شود تا در جلسه مورخ ۸/۱۱/۷۹ به اشخاصی که در محکمه حاضر می شوند (محکوم علیهم و متهمان تبرئه شده و وکلای مدافع آنها و معاون محترم دادستان نظامی تهران) ابلاغ گردد و نیز با ابلاغ رو نوشت رای به اولیای دم

مقتولان پرونده از موجودی کسر و با تکمیل برگ شماری و مهوور کردن ظهر اوراق آن به مهر دادگاه، برای اقدامات قانونی بعدی به دایره اجرای احکام دادسرای نظامی تهران ارسال گردد.

رئیس شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران

محمد رضا عقیقی

۲۳ فوریه ۲۰۰۹



فرق بین خاتمی و احمدی‌نژاد چیست؟ و چه فرقی است بین کسانی که به این دو نفر معتقدند؟ ذکر این نکته در ابتدای مطلب لازم است که این دو نفر را به عنوان دو تفکر اصلی در قدرت کشور آورده‌ام. چرا که طیف احمدی‌نژاد روی کار است و اگر بتواند دوباره خواهد آمد و طیف خاتمی هم روی کار بوده و دوباره خواهد آمد، وگر نه کروی و قالیباف و لاریجانی و معین و ... همه در یکی از این دو طیف جای دارند، با اندکی تفاوت‌ها. غیر از این دو طیف هم ساده‌دلی است باور کنیم که اندیشه‌ی غیر از این دو بتواند در هرم قدرت کشور جای گاهی داشته باشد. وقتی می‌شود کسانی هوادار احمدی‌نژاد باشند و اندیشه و کارهای وی را قبول کنند، به راحتی هم می‌توان این را باور کرد که هستند کسانی که دوباره به خاتمی رای بدهند. طرفداران احمدی‌نژاد نمی‌بینند و باور دارند، ولی طرفداران خاتمی دیده‌اند و فراموش کرده‌اند و باور دارند. احمدی‌نژادی‌ها در اصول‌شان ثابت عقیده‌اند و بر آن چه که می‌گویند بوده‌اند و خواهند بود، اما طرفداران خاتمی بسته به شرایط، از سر استیصال و ناچاری، از روی اندیشه‌های قدرت‌طلبانه و یا ساده‌دلی و ژست رفتار دموکراتیک گرفتن می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند. بیایید برای لحظه‌ی «قتل‌های زنجیری» و «فاجعه‌ی کوی دانش‌گاه» و «توقیف روزنامه‌ها» و «زندانی» شدن صدها فعال سیاسی و مدنی و مطبوعاتی را فراموش کنیم. غیر از این‌ها خاتمی‌ها و هواداران‌شان در ۸ سال ریاست جمهوری و دوره‌ی اصلاح‌طلبی چه کردند که هنوز باقی است و هنو



صادق هدایت در بستر مرگ

عکسی از هنگام خودکشی صادق هدایت در پاریس آیا او نیز از وضعیت آن زمان جامعه خویش و اینکه می دید چگونه مردم را بازی می دهند خسته و نا امید بود؟ شاید جواب این سوال را بهتر باشد در بوف کور جستجو نمائید. برخی اوقات است که مرگ از زندگی در میان مثنوی عوام فریب که به نام مردم و به کام خویش حکومت می کنند شاید بد نباشد. حال نامش را اصلاح طلب حکومتی بگذاریم یا اصول گرا آنچه که به مردم می رسد هیچ است!
